

یاد باد آن روزگاران، یاد باد

سردبیر



قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد و مجلس سنا نیز این پیشنهاد را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد و پیشنهاد قانونی شد.

مروری بر تاریخچه ملی شدن صنعت نفت:

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در روز ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی، اقتصادی و مبارزات مردم ایران برای نجات سرمایه‌های ملی این مرز و بوم از دست بیگانگان به‌شمار می‌رود.

زمانی که اولین چاه نفت در ایران در بیش از یکصد سال قبل در منطقه مسجد سلیمان در استان خوزستان توسط یک شرکت انگلیسی کشف شد، دولت وقت ایران هیچ آگاهی و درکی از این اتفاق مهم نداشت. اما کاشفان آن به‌خوبی می‌دانستند به چه ثروتی در ایران دست یافته‌اند و پایه‌های استعمار خود در ایران را با قراردادهای استثماری استخراج، تولید و فروش نفت‌خام ایران بنا نهادند. شرکت‌های خارجی سال‌ها سرمایه مردم ایران را به تاراج بردند و دولت‌های وقت ایران هیچ‌گونه تلاش و توجهی برای احقاق حقوق مردم انجام ندادند.

دکتر "محمد مصدق" بزرگمرد تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران حرکت بزرگی را در کشور آغاز کرد که سنگ بنای تفکر اقتصاد "بدون نفت" بود. وی در شهریورماه ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان، در انتخابات دوره چهاردهم مجلس وقت، بار دیگر به مجلس راه یافت. شرایط بین‌المللی در این دوره، به نحوی

۲۹ اسفند روز ملی شدن صنعت نفت

بود که کشورهای مختلف به‌ویژه روسیه، انگلیس و آمریکا با پیشنهادهایی به دولت ایران، خواستار کسب امتیاز نفتی بودند و از آنجایی که انگلیس، امتیاز بهره‌برداری از منابع نفت جنوب کشور را در اختیار داشت، روس‌ها درصدد کسب امتیاز منابع نفتی شمال و آمریکایی‌ها نیز به دنبال امتیاز نفت، در ایران بودند.

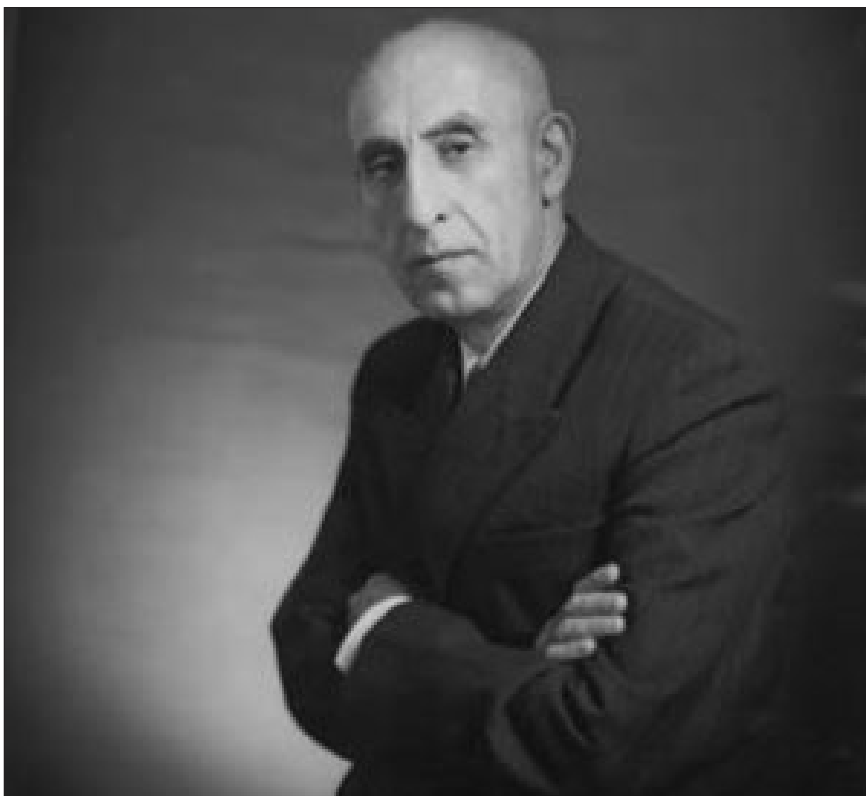
دکتر مصدق که رهبری گروهی متشکل از ۱۶ تن از نمایندگان مجلس چهاردهم را برعهده داشت، در خصوص واگذاری امتیاز نفت به خارجی‌ها گفت: "به بهانه اینکه به یک کشور نفت داده شده است، نباید به هیچ کشور دیگری امتیاز داد چرا که این دور باطل تمامی نخواهد داشت."

دکتر محمد مصدق

مصدق در دوران مبارزات خود برای ملی کردن صنعت نفت، بارها بر این نکته تأکید داشت که ایرانیان باید خود منابع نفتی

کشورشان را اداره و بهره‌برداری کنند. دکتر مصدق برای مقابله با فشار شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران، قانونی را در این دوره مجلس به تصویب رساند که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند، منع می‌شد. حرکت ملی شدن صنعت نفت در شرایطی شکل گرفت که ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت‌خام خاورمیانه بود و پس از آمریکا، ونزوئلا و شوروی سابق، چهارمین تولیدکننده معتبر نفت‌خام دنیا محسوب می‌شد. در آن دوران، کل تولید نفت‌خام ایران، ۳۲ میلیون تن در سال معادل بیش از یک سوم مجموع تولید نفت‌خام خاورمیانه (۹۰ میلیون تن در سال) بود. از سوی دیگر، ایران ۹۰ درصد نفت‌خام مورد نیاز اروپای غربی را در آن دوران تأمین می‌کرد.

به دنبال تلاش‌های دکتر مصدق برای نجات سرمایه‌های کشور از دست بیگانگان، دربار پهلوی اجازة نداد وی در دوره پانزدهم، به



شکل ۲ | دکتر محمد مصدق

شگردهای ممکن استفاده کرد. یکی از این شگردها، تحریم نفت ایران در نیمه اول سال ۱۳۳۰ با هدف به خطر انداختن ثبات سیاسی و اقتصادی کشور بود. انگلیس به تمام خریداران نفت‌خام ایران هشدار داده بود که نفت ایران را خریداری نکنند.

اما دولتمردان وقت ایران در ادامه مبارزات خود با تلاش زیاد توانستند بر این حرکت استعمارگر پیر فایق آیند. دکتر مصدق نخست‌وزیر وقت، برای خنثی کردن توطئه انگلیس و کسب درآمد برای کشور، ترجیح داد نفت‌خام را با تخفیف به مشتریان بفروشد. نکته قابل توجه آن است که درآمدی که دولت مصدق با فروش تخفیفی نفت‌خام و فراورده نفتی برای کشور کسب کرد دو برابر رقمی بود که «شرکت نفت انگلیس و ایران» بابت فروش سالانه ۳۱ میلیون تن نفت‌خام به ایران پرداخت می‌نمود.

با ملی شدن نفت، هیات خلع ید به جنوب

ملی مطرح و در روز ۲۹ اسفندماه همان سال به تصویب رسید.

در متن پیشنهاد تصویب شده، آمده بود:

”به نام سعادت ملت ایران و به‌منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.“

مجلس سنا نیز این پیشنهاد را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد و پیشنهاد به قانون تبدیل شد.

رویکرد انگلیس در قبال ملی شدن صنعت نفت

پس از ملی شدن صنعت نفت، انگلیس که با تصویب این قانون منافع خود را در خطر می‌دید، برای جلوگیری از به‌ثمر نشستن حرکت ملی شدن صنعت نفت، از تمامی

مجلس راه یابد. در این دوره هدف عوامل وابسته به انگلیس این بود که قرارداد سال ۱۹۳۳ دوره رضاشاه را به دست دولت ساعد مراغه‌ای و با تصویب مجلس تنفیذ کنند. اما بر اثر فشار افکار عمومی مقصود انگلیسی‌ها تأمین نشد و عمر مجلس پانزدهم به سر رسید.

لذا، نارضایتی انگلیس از حرکت ملی شدن صنعت نفت و تلاش برای برهم زدن این حق خواهی ملت ایران، امری کاملاً طبیعی بود. شرکت نفت انگلیس که به‌دلیل تاراج منابع نفتی ایران، دارای سرمایه هنگفتی شده بود، اکنون منافع خود را در خطر می‌دید. گسترش فعالیت‌های سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ سبب گسترش مبارزات مردم و به‌ویژه توجه آنان به وضع قرارداد نفت شده بود. دکتر مصدق در مجلس و بیرون از آن این جنبش را که به «نهضت ملی شدن نفت» معروف شد، هدایت می‌کرد.

در انتخابات مجلس شانزدهم با همه تقلبات و مداخلات شاه و دربار، مصدق در دور دوم انتخابات، به مجلس راه یافت و در این دوره طرح ”ملی شدن صنعت نفت“ به رهبری وی در مجلس تصویب شد. قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد.

کمیسیون نفت، کمیسیونی بود که در اول تیرماه ۱۳۲۹ در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ایران برای رسیدگی به لایحه نفت (معروف به لایحه گس-گلشائیان) تشکیل شد. همین کمیسیون پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را در اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه داد. سرانجام با تلاش‌های دکتر مصدق و همراهان وی، ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در روز ۲۴ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ در مجلس شورای



شکل ۳ | راهپیمایی مردم در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت

قرار می گرفت که انحصاراً در اختیار خارجی‌ها بود. تأسیسات ثابت صنعت نفت ایران در این دوره اگرچه متعلق به شرکت ملی نفت ایران بود، اما بر اساس قرارداد، شرکت‌های عضو کنسرسیوم حق استفاده انحصاری از آنها را در طول مدت قرارداد در اختیار داشتند.

با آغاز فعالیت کنسرسیوم اگر چه قرار بود قانون ملی شدن نفت اجرا شود اما در عمل دولت ایران و شرکت ملی نفت اختیارات بسیار محدودی داشتند؛ تا مهرماه ۱۳۵۳ اعضای کنسرسیوم بدون دخالت دولت ایران برای تعیین میزان تولید و قیمت نفت که عوامل اصلی و تعیین‌کننده درآمد کشور بودند، تصمیم می‌گرفتند و دولت ایران در این خصوص هیچ اختیاری نداشت.

از سال ۱۳۵۳ و تشکیل شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران (OSCO) تغییرات عمیق و عمده‌ای در ارتباط با نحوه نظارت و دخالت دولت در کار کنسرسیوم به وجود آمد اما واقعیت این است که تا وقوع انقلاب اسلامی، مالکیت ایران بر منابع نفتی خود به‌طور کامل تحقق نیافته بود. ■

عبارت بود از یک پرداخت مشخص تحت عنوان حق‌الارض که شامل کلیه نفت‌خام صادراتی می‌شد و مالیات بر درآمدی بود که به نسبت درصدی از منافع حاصل از صدور نفت بر اساس بهای اعلان شده نفت‌خام به دولت ایران می‌پرداختند؛ این درصد از ۲۳ آبان ماه ۱۳۴۹ به ۵۵ درصد افزایش یافت.

سرنوشت نفت تا قبل از پیروزی انقلاب

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شرکت ملی نفت ایران کار توزیع و فروش فراورده‌های نفتی و گاز طبیعی جهت مصارف داخلی را به عهده داشت. شرکت‌های عامل نفت ایران فراورده‌های نفتی، گاز طبیعی و نفت‌خام موردنیاز برای مصارف داخلی را به شرکت ملی نفت ایران تحویل می‌دادند.

شرکت ملی نفت ایران همچنین مسوولیت تامین، نگهداری و اداره خدمات پشتیبانی تولید را تحت عنوان «خدمات غیرصنعتی» به عهده داشت که در مقابل «عملیات صنعتی»

عزیمت نموده و تابلوی «ریاست شرکت» از سر در دفتر مرکزی خرمشهر کنده شد و به جای آن «هیات مدیره موقت» نصب شد. از آن پس کلیه تأسیسات و ادارات شرکت زیر نظر هیات مدیره جدید بود؛ کارکنان خارجی که از این رویداد ناراضی بودند، در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۳۰ همگی ایران را ترک کردند.

بازگشت مجدد اروپایی‌ها به صنعت نفت ایران

بعد از این واقعه، اما باز هم حضور خارجی‌ان در صنعت نفت ایران شاهد هستیم چرا که در تاریخ هفتم آبان ماه ۱۳۳۳ قراردادی بین دولت ایران از یک سو و کنسرسیومی از شرکت‌های صاحب‌نام نفتی منعقد شد. شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت ایران دو شرکت به نام‌های «شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران» و «شرکت سهامی تصفیه نفت ایران» تشکیل دادند که روی هم «شرکت‌های عامل نفت ایران» نامیده می‌شد. این دو شرکت به ترتیب اختیار اکتشاف و تولید نفت‌خام و گاز طبیعی در حوزه معینی در جنوب ایران به نام «حوزه قرارداد» و تصفیه نفت‌خام و گاز حاصله را عهده‌دار بودند. شرکت‌های عامل نفت ایران طبق قوانین کشور هلند تشکیل شده و در ایران به ثبت رسیده بودند. هریک از شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت ایران یک شرکت بازرگانی تاسیس کرده و در ایران به ثبت رسانده بودند که منفرد و مجزا از یکدیگر عمل کرده و نفت‌خام و گاز طبیعی حاصل از حوزه قرارداد را از شرکت ملی نفت ایران خریداری کرده و به خارج از کشور صادر می‌کردند.

این شرکت‌های بازرگانی همچنین بخشی از نفت‌خام خریداری شده را پالایش کرده و به‌صورت فراورده به خارج صادر می‌کردند. تعهدات مالی شرکت‌های بازرگانی تاسیس شده در دل شرکت‌های عضو کنسرسیوم،